



تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی در مسیر تحقق و اجرای برجام*

عقیل نقشبندی** - دکتر محمدرضا دهشیری***



دکتر گارینه کشیشیان سیرکی**** - دکتر محمدرضا قانیدی*****

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

عوامل سیاسی و اقتصادی در مسیر تحقق و اجرای برجام و اعمال مجدد تحریم‌های ضد ایرانی در حوزه هسته‌ای نقشی اساسی داشته است. به عبارتی دیگر نقایص و نارسایی‌هایی که ریشه در مذاکرات برجامی و عدم تعهد و پایبندی طرف مقابل (ایالات متحده آمریکا) و فشارهای سیاسی داخلی که در مرحله اجراء وجود دارد، باعث شد تا آمریکا هزینه نقض عهد برجامی را برای خود بسیار پایین‌تر از طرف مقابل ارزیابی نماید. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عوامل داخلی چه تاثیری در تحقق و اجرای برجام دارد؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و متغیرهای پنجگانه روزنا، در پی اثبات این موضوع است که وضع تحریم‌ها از سوی آمریکا منجر به بروز عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی شده و این خود، یکی از بزرگترین موانع بر سر راه دولت‌ها در مسیر توسعه می‌باشد، لذا برای دستیابی به یک توافق پایدار، می‌بایست همه قوا همگام و همراه با تیم مذاکره کننده و در جهت کاهش فشارهای اقتصادی بر مردم حرکت کرده و با ارائه پیشنهادها سازنده خواستار لغو تمامی تحریم‌ها باشند. این در صورتی است که جمهوری اسلامی ایران، همواره به تعهدات خود در مقابل برجام پایبند بوده است.

کلیدواژگان

برجام، سیاست خارجی، انرژی هسته‌ای، تنش‌زدایی و سرمایه‌گذاری خارجی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل عقیل نقشبندی با راهنمایی دکتر محمدرضا دهشیری است.

** گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

*** استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه / نویسنده مسئول / ایمیل: m.dehshiri@sir.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

***** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

آغاز فعالیت‌های هسته‌ای ایران قبل از انقلاب اسلامی مورد حمایت غرب بود. اما همین فعالیت‌ها در جمهوری اسلامی با مخالفت آنها مواجه شد. توافق هسته‌ای باعث شده ایران و غرب، به این نتیجه برسند که همکاری در زمینه هسته‌ای مانند دوران قبل از انقلاب، منافع و مزایای بیشتری را به همراه دارد. اما نقایص و نارسایی‌هایی که در مذاکرات برجام وجود داشت، در کنار عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی، منجر به عدم تحقق و اجرای برجام شد. در این راستا دغدغه اساسی مورد توجه در این مقاله، مطالعه و تحلیل عوامل ذکر شده بر برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یکی از اساسی‌ترین و عمده‌ترین مسائل و موضوعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی است. لذا در این مقاله سعی شده علاوه بر توجه به وجوه مختلف سیاست داخلی و خارجی ایران، به کلیه فراز و فرودها و آسیب‌های داخلی برجام پرداخته شود.

در این راستا با هدف بررسی علل سیاسی و اقتصادی داخلی که به عنوان مانع در مسیر تحقق و اجرای برجام بودند، به تحلیل این عوامل در پنج دسته مبتنی بر فرد، نقش، جامعه، دیوانسالاری و نظام بین‌الملل می‌پردازیم و به دنبال پاسخ به این سؤال که عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی، چگونه در مسیر تحقق و اجرای برجام تاثیر گذاشته‌اند؟ این فرضیه را با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مطرح و اثبات می‌نماییم که عوامل داخلی چه تاثیر بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت برجام داشته‌اند.

۱- پیشینه

کتاب «راز سر به مهر» در زمینه مذاکرات هسته‌ای که (مجموعه نویسندگان، ۱۴۰۰: ۶۶۰)؛ (Multi Authors, 2021: 660) گزارشی است توصیفی و مستند درباره روند یکی از مهمترین پرونده‌های تاریخی ایران که می‌کوشد قرائت ایرانی از برهه‌های مهم در سرنوشت معاصر را به تصویر بکشد. این گزارش شامل توافق موقت ژنو، توافق موقت تا افاق نگارش، جدال بر سر متن، فصل سرد و سخت مذاکرات و تولد برجام است. ضعف این اثر عدم بررسی دلایل خروج از برجام و عدم تحقق این توافق می‌باشد و نقطه قوت آن نیز بررسی دقیق و کاملی از توافق هسته‌ای از ابتدا تا زمان تولد برجام است. نوآوری این مقاله نسبت به کتاب نام برده این است که به بررسی علل سیاسی و اقتصادی داخلی در مسیر تحقق و اجرای برجام، می‌پردازد.

مقاله خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران (ساجدی و ساجدی، ۱۳۹۸: ۱۵۵-۱۲۳)؛ (Sajedi and Sajedi, 2019: 123-155) نشان داد که با خروج آمریکا از برجام و تهدیدهای آمریکا مبنی بر از سرگیری تحریم‌ها، اقتصاد ایران دچار ناسامانی و تغییر و تحول‌های شدیدی شده است که این مسئله به وضوح در روزهای قبل و بعد از زمان از سرگیری تحریم‌ها در بازارهای مالی ایران مشاهده می‌شود. بنابراین نقطه قوت این مقاله بررسی عدم تحقق برجام در بعد اقتصادی و بالخصوص بازارهای مالی ایران بوده است. اما عدم بررسی سیاست‌های نادرست و نادیده گرفتن علل سیاسی

از نقاط ضعف آن به شمار می آید. اما نوآوری این مقاله این است که به بررسی همزمان هر دو علل سیاسی - اقتصادی در تحقق و اجرای برجام می پردازد.

کتاب عالیجناب برجام (علیشیری، ۱۴۰۱: ۲۷۳)؛ (Alishiri, 2022: 273) به برجام به مثابه یک کلیت یکپارچه که محصول رویاهای متناقض طرفین مذاکره کننده بود، نگریسته است و یک تحلیل یا ارزیابی درون گفتمانی مبتنی بر آرایش واژگانی و عبارت پردازی از متن سند، بدون قضاوت ارزشی به خواننده ارائه داده است. هدف نویسنده ارائه یک تحلیل مبتنی بر نتایج یا نقد سیاسی از سند برجام نیست، بلکه تحلیل محتوای متن و درک مفهومی از عبارت پردازی فنی آن است. یعنی جایی که متن و پیام آن، اصول و دیدگاه‌های طرفین را بازگو و دیکته می کند، نقطه قوت این کتاب است که جایگاه و دستاوردهای طرفین مذاکره کننده را روشن می کند، اما در برابر این مقاله که به دلایل اقتصادی و سیاسی داخلی در تحقق برجام می پردازد به طور جامع و کامل نپرداخته است. مقاله مبارزه برای نجات برجام: مذاکرات به جایی نمی رسد؟ (Miller, 2023: 121-138) نشان داده است که بایدن به جای اینکه سیاست یکجانبه ترامپ در مورد برجام را معکوس کند، تلاش دیپلماتیکی را با هدف بازگرداندن توافق آغاز کرد و در عین حال احتمالاً برخی از شروط آن را برای رسیدگی به نگرانی‌ها در مورد پیشرفت هسته‌ای تهران که زمانی که ایران نیز شروع به نادیده گرفتن محدودیت‌های برجام کرد، اصلاح کرد. مذاکرات متعاقب آن به زودی با انحراف مواجه شد و درهم آمیختن برداشت‌های نادرست و مواضع آشتی ناپذیر مانع شد. نقطه قوت این مقاله بررسی رویکردها و اقدامات اشتباه آمریکا در تحقق و اجرای برجام بوده است و نقطه ضعف آن نیز عدم بررسی موانع داخلی ایران در مسیر تحقق و اجرای برجام بوده است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در این بخش از مقاله، تلاش می شود، چارچوب مفهومی و مبانی نظری برای مقاله فراهم آید.

۲-۱- چارچوب مفهومی

با روی کار آمدن دولت یازدهم با شعار اعتدال در کشور و سیاست تنش زدایی در منطقه و تعامل با دنیا، بسیاری از مردم امیدوار بودند که با مذاکره و گفت و گو با قدرت‌های بزرگ تحریم کننده، خصومت‌ها و تحریم‌ها کاهش می یابد و ایران از انزوای خارج می شود. به همین منظور و برای رهایی از مشکلات اقتصادی و رکود تورمی که در زندگی ملت ایران حاصل شده بود، دولت سعی کرد با استفاده از نظام دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، این مشکل را حل کند. به همین منظور پرونده هسته‌ای ایران به وزارت امور خارجه سپرده شد (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۳)؛ (Daryaei, 2015: 13). پس از یک سلسله مذاکرات طولانی هیئت دیپلماتیک ایران با نمایندگان ارشد +۱ (روسیه، چین، آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان) سرانجام پس از دو توافق موقت وین و لوزان در ژوئیه ۲۰۱۴ (۱۴ ژانویه ۲۰۱۵) برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تحت نام توافق وین به دست آمد. کسب برجام یک

¹. The Struggle to Save the JCPOA: Negotiations to Nowhere?

پیروزی بزرگ برای دولت یازدهم در داخل و خارج تلقی گردید. چرا که دیپلماسی دولت یازدهم توانسته بود مذاکرات هشت ساله ایران و اعضای ۱+۵ را از بن بست خارج و مذاکرات مستقیم با نمایندگان ایالات متحده در قالب نشست‌های دو یا چند جانبه را برگزار نماید (شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۸-۴)؛ (Shirazi, 2015:4-38).

مفهوم دیگر، خروج از برجام است که با آن دوره پس‌برجام آغاز شده است. پس از گذشت بیش از دو سال از اجرای برجام، دولت دونالد ترامپ در اقدامی بی سابقه، در ۸ می ۲۰۱۸ به صورت یکجانبه از برجام خارج شد و تحریم‌های یکجانبه پیشین آمریکا علیه ایران را بازگرداند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۸ : ۱۳۳)؛ (Salehi et.al., 2019: 133). به این دوره، دوره پس‌برجام گفته می‌شود که با سیاست فشار حداکثری بر ایران دنبال شد و در نهایت با به کار انداختن سازوکار ماشه (تحریم‌های ملل متحد) باز هم به طور یکجانبه توسط دولت ترامپ پی گرفته شد. با وجود روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا با انتخاب جو بایدن، همچنان آمریکا به برجام بازنگشته و بنابراین هنوز دوره پس‌برجام ادامه یافته است.

۲-۲- مبانی نظری: مدل جیمز روزنا

در این مقاله از رویکرد مدل همبستگی در سیاست خارجی استفاده شده است. این رویکرد ترکیبی از دو سطح تحلیل خرد و کلان سیاست خارجی است. تحلیلگران در این رویکرد از دو سطح تحلیل خرد و کلان برای تحلیل سیاست خارجی استفاده می‌کنند. در واقع، این تلاش در اوایل دهه ۱۹۶۰ برای یافتن رویکرد سومی که بتواند دو سطح تحلیل کلان و خرد را به هم متصل کند، آغاز شد (سیف‌زاده، ۱۳۹۳، ۳۰۴)؛ (Saifzadeh, 2014: 304). از جمله این افراد می‌توان به روزنا اشاره کرد که «پیش‌نظریه سیاست خارجی» خود را برای پیوند این دو سطح تحلیل ارائه کرد. وی در سطح خرد به چهار عامل شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش، عوامل دولتی و اجتماعی و همچنین در سطح بین‌المللی به عامل محیط بین‌المللی اشاره کرد. از این رو جیمز روزنا در کتاب خود با عنوان «بررسی سیاست جهانی: چالش‌های نظری و روش‌شناختی» نظریه خود را بر اساس تأثیر ۵ عامل در شکل‌گیری سیاست خارجی بیان کرد. به گفته وی، پنج متغیر باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد: «۱. شخص ۲. نقش ۳. متغیرهای دولتی ۴. متغیر جامعه ۵. متغیرهای محیطی (سیستماتیک)». در واقع هدف، ارزیابی قدرت نسبی هر یک از این متغیرها و سپس تأثیر آنها بر سیاست خارجی است (Rosenau, 2006: 200).

در کشورهای بزرگ با وضعیت اقتصادی و سیاسی توسعه یافته باز، اولویت متغیرها بدین ترتیب هستند. نقش، جامعه، دیوان سالاری، نظام بین‌الملل و بالاخره شخصیت. در حالیکه در کشورهای کوچک توسعه نیافته، با جابجایی قابل توجه متغیرها بدین ترتیب شخصیت، نظام بین‌الملل، نقش، جامعه و دیوان سالاری مواجه هستیم. از این رو روزنا بر این باور است که ویژگی‌ها و رفتار هر نظام اجتماعی در هر لحظه از زمان، محصول سنت فرهنگی و تغییر محیط‌های درونی و بیرونی و به عبارتی انتخاب‌ها و انتخابات و فعالیت تصمیم‌گیران تحت تأثیر فرهنگ است. هنجارها، سوابق و

سنت‌های تاریخی، خواسته‌ها و درخواست‌هایی که از هر دو سیستم داخلی و خارجی سرچشمه می‌گیرد (Rosenau, 1995: 75).

از نظر روزنا، طیف بزرگی از روندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی وجود دارد که تأثیر زیادی (محدود کننده و توانمندساز) بر رفتار بیرونی جامعه دارد (Rosenau, 1971: 96-96). خلاصه، در کل نظریه وی، اقدام بیرونی کشورها متأثر از پنج عامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی و روانی، ژنتیکی و بیولوژیکی رهبران تصمیم‌گیرنده)، نقش (کارکردهای خاص هر واحد ساختاری)، دولت (ساختار سیاسی جامعه از قبیل دموکراتیک، استبدادی باز بودن، بسته بودن و غیره)، اجتماعی (سطح شایستگی اجتماعی، موقعیت، موقعیت در جامعه)، متغیرهای محیطی (جنبه‌های انسانی و غیر انسانی محیط بیرونی جامعه) و در تحلیل سیاست خارجی یک کشور توجه به این پنج عنصر ضروری است که با ترکیب سطوح خرد و کلان می‌توان به طور جامع فرآیند سیاست خارجی یک کشور را درک کرد و به صورت واقع بینانه قابل درک است. جیمز روزنا با ارائه مدل‌های «ثوری سابق سیاست خارجی» و «پیوستار سیاست خارجی» مبنایی برای پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان فراهم می‌کند. در این زمینه، جیمز روزنا چهار عامل را مورد بحث قرار داد: ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش‌های آنها، دولت‌ها و عوامل اجتماعی در سطح خرد، با اضافه شدن محیط بین‌المللی، به ارزیابی عوامل داخلی و عوامل محیط بین‌المللی در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی می‌پردازد و در عمل نوعی تبیین علی در سیاست خارجی ارائه می‌دهد.

۳- تاریخچه

اولین تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد و جالب اینکه ایالات متحده اولین کشوری بود که ایران را برای دستیابی به فناوری هسته‌ای تشویق کرد. در ۵ مارس ۱۹۵۷، اولین توافقنامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی بین دو کشور در چارچوب برنامه پیشنهادی آیزنهاور موسوم به «اتم‌ها برای صلح» امضا شد. بر این اساس ایران چندین کیلوگرم اورانیوم غنی شده از آمریکا برای اهداف تحقیقاتی دریافت کرده است (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۰)؛ (Shirazi, 2010: 109-110). ایران و آمریکا در سال ۱۹۷۴ با ایجاد کمیسیون مشترک با هدف تقویت همکاری‌ها در همه زمینه‌ها از جمله همکاری در زمینه علوم هسته‌ای به‌ویژه تولید انرژی هسته‌ای موافقت کردند (قامت، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۱)؛ (Gamat, 2008: 101-101). پس از انتخاب کارتر به ریاست جمهوری آمریکا، مذاکرات وی با شاه ایران به حل مسائل باقیمانده برای دستیابی به توافق جدید برای همکاری هسته‌ای انجامید. علیرغم همکاری‌های گسترده قبل از استقرار جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب و به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی، مصادف با پایان جنگ سرد، فشارهای کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، زمینه ساز استقرار را فراهم کرد.

ریاست جمهوری احمدی نژاد از زمانی آغاز شد که بحث هسته‌ای ایران به شورای امنیت کشیده شد و با اعلام تصمیم برای از سرگیری فعالیت‌های تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان آغاز شد. در ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ (۸ مارس ۲۰۰۶) موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد. حسن

روحانی، رئیس‌جمهور نیز با تاکید بر تعامل سازنده در چارچوب منافع ملی و دستیابی به توافق‌های برد - برد، گفت: توافق‌های برد - باخت هرگز اتفاق نمی‌افتد و اگر هم می‌شد، وضعیت باثباتی ممکن نبود. نمی‌توان آن را حفظ کرد. توافق باید برد - برد باشد، جایی که ما به اهداف کلیدی خود دست پیدا می‌کنیم و طرف مقابل احساس می‌کند به اهداف کلیدی خود دست یافته است.

۴- علل سیاسی و اقتصادی داخلی در مسیر تحقق و اجرای برجام

موضوع هسته‌ای در زمره طولانی‌ترین مناقشه بین‌المللی خارج از روابط قدرت‌های بزرگ، پس از دوران جنگ سرد قلمداد می‌شود. شش قدرت جهانی هم به صورت مستقیم درگیر آن هستند که از این نگاه هم، کم‌نظیر تلقی می‌شود. تحریم‌های اعمالی بر ضد ایران در موضوع هسته‌ای نیز نه فقط بر اقتصاد کشور بلکه بر بسیاری از کشورهای دیگر هم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر داشته است. بحران هسته‌ای جزئی از تاریخ معاصر ایران است که پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن بسیار گسترده است. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از نظریه جیمز روزنا، به بررسی این علل بپردازیم.

۴-۱- شخص

تاریخچه سیاست خارجی گذشته جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که شخصیت و ایدئولوژی رئیس‌جمهور، نقش مهمی در تعریف، تدوین و ادامه سیاست خارجی دولت وی، داشته است. بنابراین، گفتمان اعتدال حاکم بر سیاست خارجی دولت یازدهم، پیش از آن که ساختار معنایی روشنی داشته باشد، از تفکر و ذهنیت رئیس‌جمهور نشأت می‌گیرد که برای پایداری و ثبات سیاست نقش آفرینی می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۶)؛ (Dehgani Firozabadi, 2014: 36).

حسن روحانی در چارچوب هنجارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانست با بیانی قابل فهم برای سیاستمداران و افکار عمومی بین‌المللی سخن بگوید. فرماندهی ارشد در دوران دفاع مقدس، آشنا با فرایند قانون‌گذاری به دلیل داشتن تجربه نمایندگی، عضویت در مجلس خبرنگاران رهبری، آگاهی از ساز و کار سیاست‌گذاری کلان امنیتی کشور به علت سال‌ها دبیری شورای عالی امنیت ملی و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، از حسن روحانی در محافل سیاسی داخلی و بین‌المللی فردی باتجربه ساخته است.

حسن روحانی رئیس‌جمهور و سایر بازیگران کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری هسته‌ای هیئت دولت با ایجاد تعامل سازنده به عنوان هسته اصلی گفتمان اعتدال و برقراری گفتمان اعتدالی مبتنی بر درک محیط بیرونی و باورهای شخصی در تلاشند با برقراری تعادل و توازن میان تقابل بازدارنده، به عنوان دال مرکزی گفتمان ستیزش و تسلیم بازنده به عنوان دال مرکزی گفتمان سازش، تعامل سازنده را به عنوان دال مرکزی گفتمان اعتدال تعیین و هژمون کنند (فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۵)؛ (Firozabadi and Ataei, 2014: 105).

۴-۲- نقش

روزنا بر این باور است که نقش تصمیم‌گیرندگان اصلی در سیاست خارجی مانند نقش رئیس

جمهور، نقش وزیر امور خارجه و... را می‌توان یکی از عوامل اصلی در سطح خرد دانست (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۶-۸۰)؛ (Firozabadi, 2010: 76-80). زمانی که فردی نقش خاصی را برعهده می‌گیرد، رفتار او بر اساس انتظارات افراد از آن نقش به طور قابل توجهی تغییر می‌کند (ملکی، ۱۳۹۱)؛ (Maleki, 2012).

رئیس جمهور و وزیر امور خارجه در هر دوره ای ملزم اند که اصول حاکم بر سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران را در قالب دیپلماسی جدید هسته‌ای رعایت کنند. در نتیجه روحانی نیز به عنوان رئیس جمهور از این امر مستثنی نیست و در انتخاب گزینه ها و به کار گرفتن سیاست ها و شیوه های اجرایی - برای نمونه مسئله هسته‌ای - آزادی عمل نامحدود ندارد و باید در چارچوب برخاسته از نقش خود حرکت کند (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۱)؛ (Dehgani Firozabadi, 2014: 101).

نحوه سیاست گذاری هسته‌ای هر یک از مسئولان گرچه تابعی از شخصیت، تجربه سیاسی و اجتماعی و استعداد افراد است اما ضرورت های شغلی و مسئولیتی از قبیل اقتضائات جایگاه رئیس جمهور و وزیر امور خارجه، موجب تعدیل سیاست ها می‌شود.

۴-۳- نظام دیوانسالاری و حکومتی

جمهوری اسلامی ایران که نظامی نیمه پارلمانی، نیمه ریاستی است، ساختار ویژه و منحصر به فردی در مقایسه با سایر کشورها دارد. نقش مردم از طریق انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، زمینه را برای تصحیح کم و بیش فرآیند مذاکرات هسته‌ای فراهم می‌کند. افزون بر این، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نهادهای تعیین کننده در سیاست گذاری هسته‌ای هستند. وزارت امور خارجه هم گرچه به صورت قانونی، تکلیفی در سیاست گذاری هسته‌ای ندارد و مسئول امور خارجه است، اما به سبب آنکه پرونده هسته‌ای در دولت یازدهم به وزیر امور خارجه محول شد، جایگاه قانونی دارد.

تنوع و تکثر متغیرهای حکومتی از تغییرات ناگهانی و غیرمترقبه و گسترده در سیاست خارجی ایران جلوگیری می‌کند و به آن استمرار و تداوم می‌بخشد؛ ولی در کل در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور از وزنه های تأثیرگذار بر سیاست خارجی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۵)؛ (Dehgani Firozabadi, 2010: 25).

۴-۴- جامعه

شامل جنبه‌های غیرحکومتی، افکار عمومی و گروه‌های ذی نفوذ غیر رسمی که در جهت گیری‌های برجام تأثیر مستقیم داشته و دارند و در بررسی سیاست گذاری هسته‌ای باید به جهت گیری‌های ارزشی مردم ایران نسبت به برخورداری از حقوق کامل هسته‌ای ولو به بهای تحمل تحریم‌ها توجه داشت. گروه‌های ذی نفوذ غیررسمی که شامل احزاب، گروه‌های فشار، رسانه و نهادهای غیررسمی هستند، نقش ویژه‌ای در مسیر تحقق و اجرای برجام داشتند.

برجام و مذاکرات آن، همواره با دو طیف موافق و مخالف مواجه بوده و هست که یکی از موانع تحقق و اجرای برجام، وجود منتقدین فرآیند گفتگوهای دولت یازدهم بود تا جایی که انتقاد

از مذاکرات تا حدی بالا گرفت که رهبر انقلاب اعلام کرد: «هیچ کس نباید مجموعه مذاکره کنندگان ما را سازش کار بداند، این ها بچه های خود ما و بچه های انقلاب‌اند. یک مأموریت سختی را برعهده دارند و هیچ کس نباید مأموری را که مشغول کاری است، تضعیف کند».

۵-۴- نظام بین الملل

روزنا در تشریح سطوح مختلف در تحلیل سیاست خارجی، علاوه بر سطوح خرد، نقش عوامل محیطی و بیرونی را نیز در قالب امکانات و محدودیت‌های محیطی به‌عنوان سطح مؤثر تحلیل می‌داند (عطایی و رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۸)؛ (Ataei and Sani Abadi, 2019). ترامپ برای این که بتواند برجام را نابود کند، استراتژی واردکردن زخم های متعدد به این توافق و جلوگیری از بهره‌گیری ایران از دستاوردهای آن را در پیش گرفته بود (یزدان‌فام، ۱۳۹۶: ۱۸۰)؛ (Yazdanfam, 2017: 180). دونالد ترامپ، در ۸ مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) توافق هسته‌ای ایران را رها کرد. او همچنین تحریم‌هایی را که به عنوان انگیزه اصلی برای ایران لغو شده بود، دوباره اعمال کرد و سپس دولت او بیش از ۱۵۰۰ تحریم جدید اعمال کرد. در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۲۰، جو بایدن قول داد که به این توافق بازگردد. اما ابتکار دیپلماتیک او که در آوریل ۲۰۲۱ آغاز شد - به رهبری اتحادیه اروپا و همچنین شامل روسیه و چین - در آگوست ۲۰۲۲ زمانی که تهران از شرایط نهایی خودداری کرد، سقوط کرد (Iranprimer, 2023). با خروج، ترامپ تحریم‌ها را مجدداً علیه ایران اعمال کرد، سپس تهدید کرد که تحریم‌های جدیدی را علیه کشورهایی که با ایران تجارت می‌کنند اعمال می‌کند و کشورهایی که وابسته به مبادلات با سیستم مالی تحت کنترل ایالات متحده بودند، با اکراه از آن تبعیت کردند (Kaplan, 2023).

استدلال‌های مخالف این توافق در آمریکا، سعی در نشان دادن نقص های آن دارد. روایت جمهوری خواهان درباره ایران چندین ویژگی از شخصیت «آدم بد» را به کار می‌گیرد، زیرا مبنای تاریخی خود را در درک آمریکایی‌ها از نقش تهران از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و بحران گروگان‌گیری در ۱۹۸۰ دارد. این تصویر با گفتمان آمریکایی «که مبنای تاریخی در تلقی آمریکا از دشمنان شرور خارجی و شیطان‌سازی ایران از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و بحران گروگان‌گیری دارد» (Biswas, 2018: 342; Pillar, 2013; Ferrero, 2013) مطابقت دارد. به گفته جمهوری خواهان، سابقه فریب از سوی یک رژیم دوگانه و غیرقابل اعتماد ایران وجود دارد و تلاش‌های ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای به عنوان مظنون به تصویر کشیده می‌شود.

نظر آنها این است که رهبران ایران اساساً آنقدر تهاجمی و غیرقابل اعتماد هستند که تقریباً با نیت بد مذاکره کرده‌اند و از هر توافقی برای استفاده از هر راهی برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود سوء استفاده خواهند کرد. آنها همچنین خاطر نشان می‌کنند که ایران متعهد است «اسرائیل را از روی نقشه پاک کند» (Benjamin and Simon, 2019). آنها جزئیات فعالیت‌های تهاجمی و بی‌ثبات‌کننده ایران در خاورمیانه، تامین مالی تروریسم و توسعه موشک‌های بالستیک قاره پیم را شرح می‌دهند. این روایت، ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین کشور حامی تروریسم نشان می‌دهد که تلاش می‌کند نفوذ

خود را در سراسر خاورمیانه از طریق پیاده‌های خود گسترش دهد، در حالی که به دنبال سلاح‌های هسته‌ای است، استدلالی که بسیاری از دموکرات‌ها به آن اذعان دارند (Clinton, 2014: 348).

همانطور که بیسواس تأکید کرد، «روابط فعلی بین ایالات متحده یا غرب و ایران با عبارات بزرگ هانتینگتونی توصیف شده است، جایی که درگیری تمدنی به نظر می‌رسد و ریشه‌های آن ازلی است» (Biswas, 2018: 335). جالب توجه است، شخصیت «شورو»، نه «قهرمان»، محرک اصلی رویکرد نظام بین الملل و بالخصوص آمریکا نسبت به توافق با ایران است (Macbath et al., 2014).

تغییر پارادایم روابط ایران و آمریکا به دلیل «میدان مین سیاسی داخلی» پیرامون موضوع (Parsi, 2017: 271)، یعنی رواج «بازی‌های داخلی» و «ایدئولوژی» دشوار بود (Kaussler and Hestedt, 2017: 169). در واقع، در پس‌زمینه، اپوزیسیون نه تنها از جانب جمهوری خواهان، که به‌طور سنتی طرفدار اسرائیل بودند، برخاسته بودند، در خود حزب دموکرات، اختلاف فاحشی بر سر توافق‌نامه ایران وجود داشت. برخی از دموکرات‌های سنا، مخالفت خود را با توافق ایران اعلام کردند، در حالی که برخی دیگر بلا تکلیف بودند. رد توافق با ایران توسط سناتور کلیدی دموکرات، چاک شومر - دموکرات شماره سه سنا و تأثیرگذارترین قانونگذار یهودی در کنگره - در اوایل ماه اوت (Schumer, 2015)، مانع بزرگی برای رئیس‌جمهور برای عبور از کنگره ایجاد کرد.

در حالی که ترامپ بر تحریم‌های جدید علیه ایران نظارت می‌کرد، تقریباً همین کار را در رابطه با اتحادیه‌های سنتی ایالات متحده، به‌ویژه آنهایی که با آلمان و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) داشتند، انجام می‌داد. شرکای اروپایی برجام از خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ ناراضی نبودند اما موضع خصمانه دولت ترامپ در قبال اتحادیه اروپا در مورد ایران باعث شده است که اتحادیه اروپا به‌طور اساسی در مورد اتکای خود به ایالات متحده تجدید نظر کند (O'Toole, 2021: 2).

در دیباچه برجام به این نکته اشاره شده است که برجام منجر به لغو جامع همه منع‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز منع‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران می‌شود. اما آنچه در عرصه عمل اتفاق افتاد، لغو تحریم‌ها نبود، بلکه تعلیق تحریم‌ها بود که توسط دولت آمریکا، هر سه ماه یک‌بار تمدید می‌شود. دولت آمریکا به واسطه اینکه برجام فاقد تضمین‌های حقوقی قوی و لازم بود، نه تنها تعهدات خود در برجام را چه در زمان باراک اوباما و چه در دوره دونالد ترامپ به‌طور کامل اجرا نکرد، بلکه به‌وسیله تحریم‌های متعددی نظیر آيسا و کاتسا، آن را نقض کرده و در نهایت به‌صورت یک‌جانبه از آن خارج شد. بر این اساس، ماده ۲۵ بند لغو تحریم‌ها در برجام، اشعار به این نکته دارد که اگر قوانین ایالتی یا محلی ایالات متحده، مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در برجام شود، دولت ایالات متحده همه گزینه‌های موجود را بررسی کرده و با در نظر گرفتن همه گزینه‌های موجود، اقدامات لازم را برای اجرای آنها انجام خواهد داد (لغو تحریم‌ها)، اما عملاً خود دولت آمریکا سردمدار اجرای تحریم‌های نقض برجام شد. همچنین ماده ۲۶ همین بند، اشاره به این امر دارد که ایران اعلام کرده است تحمیل و یا بازگرداندن

تحریم‌های مشخص شده در پیوست ۲ و یا وضع تحریم‌های جدید هسته‌ای را، به منزله مبنایی برای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهدات خود که در توافق برجام به آن اشاره شده است، تلقی خواهد کرد. اما به واقع، این صرفاً نظر جمهوری اسلامی ایران است که در متن برجام قید شده و طرف مقابل نظیر اتحادیه اروپا، هیچ تضمین و یا تعهدی برای پذیرش این شرایط در برجام را ارائه نداده است. از همین رو طی ماه‌های اخیر، اتحادیه اروپا تهدید کرده است که در صورت تحقق گام‌های بعدی کاهش تعهدات جمهوری اسلامی ایران، از برجام خارج می‌شود (Financialtribune, 2019).

در روند اجرای برجام، این موضوع مطرح است که اولاً جمهوری اسلامی ایران نه تنها به تعهدات خود به‌طور کامل عمل کرد، بلکه بنا به اذعان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حتی فراتر از تعهدات خود را در این زمینه اجرا کرد (Director General Amano Tells IAEA Board, 2018). اما طرف مقابل در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کف تعهدات خود (در حدود ۲۰ درصد) را اجرا کرد.

ماده ۳۶ ساز و کار حل اختلاف که مقرر می‌دارد: چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه اعضای گروه ۱+۵ تعهدات خود را طبق این برجام رعایت ننموده‌اند، ایران میتواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۱+۵ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده است، هر یک از دولتهای گروه ۱+۵ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک، ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک، به موازات (یا به جای) بررسی در سطح وزیران، عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیف اش زیر سوال بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیات مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود (یکی از سوی هر یک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل) بررسی شود. هیات مشورتی می‌بایست نظریه غیرالزام آوری را در خصوص موضوع پایبندی ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه متعاقب این فرایند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیات مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» می‌باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند موضوع فیصله نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» بشمار می‌آید.

اما این سازوکار هیچ برونداد اجرایی مشخصی برای جمهوری اسلامی ایران نداشت. چرا که ایران نتوانسته است از این راهکار در خصوص عدم پایبندی آمریکا، خروج یک‌جانبه‌اش از برجام و بی‌عملی اتحادیه اروپا بهره‌برد. ضمناً حتی در صورت شکایت ایران به شورای امنیت،

این ابزار هم کارا نخواهد بود. چرا که در نهایت این شکایت توسط آمریکا، فرانسه و انگلستان و تو خواهد شد. همچنین طبق مفاد ۷۶ و ۷۵ بند دسترسی برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند به همه اماکنی که دارای نگرانی از وجود مواد یا فعالیت‌هایی اعلام‌نشده و یا فعالیت‌های مغایر با برجام در آن‌ها است، دسترسی داشته باشد (Financialtribune, 2019). در واقع تفسیری که می‌توان از این مفاد ارائه داد، این است که آژانس در صورت صلاح‌دید خود، حتی می‌تواند به اماکن سری نظامی ایران نظیر پایگاه‌های موشکی دسترسی داشته باشد. لازم به ذکر است که این مفهوم در تضاد آشکار با منافع ملی کشور می‌باشد و ایران همواره قائل به توافق بر مسأله‌ای هسته‌ای است.

نتیجه‌گیری

برای دستیابی به یک توافق پایدار، تصمیمات سیاسی مهمی در مورد رفع تحریم‌ها، ترتیب‌بندی، پایبندی ایران و تقاضای تضمین‌ها مورد نیاز است. زمانی که دولت ترامپ تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرد، بیش از ۱۵۰۰ فرد و نهاد ایرانی را تحت تحریم قرار داد و در عین حال فروش نفت ایران را محدود و دسترسی این کشور به بازارهای مالی را ممنوع کرد. در حالی که ایران خواستار لغو تمامی تحریم‌های دوران ترامپ شده است، دولت بایدن بعید است که تحریم‌های غیرهسته‌ای را لغو کند. تهران علی‌رغم پایبندی خود به توافق، با توجه به خروج آمریکا از آن، تمایلی به بازگشت به پایبندی به توافق هسته‌ای بدون تضمین لغو تحریم‌های آمریکا ندارد. در حالی که ایران برنامه هسته‌ای خود را به عقب برمی‌گرداند، چارچوبی برای نظارت بر ذخایر غنی‌سازی اورانیوم این کشور، سانتریفیوژهای پیشرفته و دانش پیشرفته آن مورد نیاز است. در این روند، اطمینان از اینکه نظارت و راستی‌آزمایی تأسیسات هسته‌ای ایران توسط آژانس از سر گرفته می‌شود، کلیدی خواهد بود. مطالبه ایران برای تضمین این توافق و امتیازات اقتصادی آن در صورت خروج آمریکا از توافق برای بار دوم، به عنوان بزرگ‌ترین نقطه مشکل‌زا باقی می‌ماند. ایران بدون محافظت از اقتصاد خود در برابر دوره‌های بعدی تحریم‌های آمریکا نمی‌تواند خطر افتادن در همان دام قبلی را بپذیرد.

تیم مذاکره‌کننده جدید ایران، همچون تیم قبلی، قادر به گفت‌وگوی مستقیم با تیم هسته‌ای آمریکایی نیست و باید با کشورهای ۱+۴ مذاکره کند. تجربه گذشته هم نشان داده که درغیاب آمریکا، هیچ یک از قدرت‌های جهانی نه قادر به حل مشکل و نه قادر به اجرای کامل برجام بدون آمریکا هستند. هیچ کشوری وجود ندارد که به عنوان میانجی مورد اعتماد ایران و آمریکا باشد. آمریکا به سه کشور اروپایی به عنوان میانجی اعتماد دارد درحالی‌که ایران به اروپایی‌ها اعتماد ندارد و متقابلاً ایران به روسیه و چین به عنوان میانجی اعتماد دارد اما آمریکا این دو کشور را رقیب و دشمن می‌داند.

همچنین وجود عوامل متعدد سیاسی و اقتصادی در مسیر برجام که برخاسته از تکرر نهادهای سیاسی و غیرسیاسی داخلی بوده مانع از توفیق برجام شده و شخصیت ترامپ که با یکجانبه‌گرایی و خروج از برجام و وضع تحریم‌های حداکثری تأثیر بسزایی بر وضعیت اقتصادی گذاشته و خود به عنوان یکی از عوامل عدم تحقق برجام تبدیل شد.

لذا برای حل مشکلات اقتصادی و موفقیت، حداقل چهار اقدام لازم دارد که جملگی نیازمند تصمیمات حاکمیتی است:

اول: تلاش برای احیای برجام به منظور رفع تحریم‌های اقتصادی، تغییر فضای بین‌المللی، کاهش تنش با آمریکا، گشایش در روابط با قدرت‌های اقتصادی جهان و تغییر مثبت در شاخصه‌های کلان اقتصادی کشور.

دوم: حل مشکلات و بهبود روابط با کشورهای منطقه باید در اولویت کار دولت‌ها باشد. در عین حال واقعیت این است که کشورهایی مثل عربستان هم منتظر نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی هستند و برخی از همسایگان هم از تقابلات ایران با آمریکا و غرب منتفع می‌شوند. لذا تنش‌زدایی و بهبود روابط با کشورهای همسایه اعم از کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه و کشورهای قفقاز، لازمه گشایش‌های اقتصادی است.

سوم: انقلاب خصوصی سازی اقتصاد ایران، برای تحول بزرگ در اقتصاد و صنعت کشور، اولین و مهم‌ترین اقدام، خصوصی سازی و نجات ایران از اقتصاد دولتی است.

چهارم: وضع قوانین و مقررات کارآمد برای جذب ده‌ها میلیون ایرانی خارج از کشور، چرا که توان علمی، فنی، سیاسی، اقتصادی و مالی ایرانی‌های مقیم خارج از کشور، از یک کشور متوسط اروپایی بیشتر می‌باشد.

منابع فارسی

۱. ابوالحسن شیرازی، ح.، و زارعی، غ. (۱۳۸۹). آمریکا و پرونده هسته‌ای ایران. *دانشنامه علوم و تحقیقات*، ۳(۴)، ۱۰۵-۱۲۱.
۲. دریایی، م. (۱۳۹۴). مجموعه اسناد مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۱+۵، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
۳. دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۴. دهقانی فیروزآبادی، ج.، عطایی، م. (۱۳۹۳). گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۷(۱)، ۹۳-۱۱۷.
۵. ساجدی، ا.، و ساجدی، س. (۱۳۹۸). خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۲(۴۶)، ۱۵۵-۱۲۳.
۶. سیف‌زاده، ح. (۱۳۸۴). *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. عطایی، ف.، رسولی ثانی‌آبادی، ا. (۱۳۸۹). بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه‌های روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست*، ۴۰(۳)، ۲۲۶-۲۰۹.
۸. قامت، ج. (۱۳۸۷). ایران هسته‌ای و پیامدهای منطقه‌ای آن، *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۱.

۹. مجموعه نویسندگان. (۱۴۰۰). راز سربه مهر، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. ملکی، ع. (۱۳۸۲). فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران. *فصلنامه راهبرد*، ۱۱(۱)، ۸۱-۱۰۷
۱۱. یزدان‌فام، م. (۱۳۹۶). راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۶)، ۱۷۹-۱۸۴.

English References

1. Benjamin, D., and Simon, S. (2019). How Fake News Could Lead to Real War. *Politico Magazine*, 5 July, <https://www.politico.com/magazine/story/2019/07/05/fake-news-real-war-227272>.
2. Biswas, S. (2018). Iran v 'the International Community: A Postcolonial Analysis of the Negotiations on The Iranian Nuclear Program. *Asian Journal of Political Science*, 26, (1),1-21. doi: <https://doi.org/10.1080/02185377.2018.1481441>
3. Clinton, H. R. (2014). *Hard Choices*. London: Simon & Schuster.
4. Director General Amano Tells IAEA Board. (2018). Iran is Implementing Nuclear-related JCPOA Commitments, 05/05/2018, <https://www.iaea.org/newscenter/news/iran-is-implementing-nuclear-related-jcpoa-commitments-director-general-amano-tells-iaea-board>.
5. Ferrero, C. (2013). The Iran Narrative: The Ideational Context of US Foreign Policy Decision-Making toward the Islamic Republic of Iran, *Iran and the Caucasus*, 17(1), 41-76. doi: <https://doi.org/10.1163/1573384X-20130105>
6. Financialtribune. (2019). Impact of EU Exit From JCPOA Would Be Insignificant, 29/10/2019, <https://financialtribune.com/articles/national/100107/impact-of-eu-exit-from-jcpoa-would-be-insignificant>.
7. Iranprimer. (2023). JCPOA Five Years Later: Iran's Escalations. <https://iranprimer.usip.org/blog/2023/may/03/jcpoa-five-years-later-irans-escalations>.
8. Kaplan, F. (2023). The Trump Administration Is Suddenly Pretending That It Didn't Blow Up the Iran Nuclear Deal. <https://nukewatch.org/new-and-updated-item/the-trump-administration-is-suddenly-pretending-that-it-didnt-blow-up-the-iran-nuclear-deal/>.
9. Kaussler, B and G. P. Hastedt. (2017). US Foreign Policy towards the Middle East: The Realpolitik of Deceit. Abingdon, Oxon/ New York: Routledge.
10. McBeth, MK; M. D. Jones, and E. A. Shanahan. (2014). The Narrative Policy Framework in: Theories of the Policy Process, edited by C. Weible and P. Sabatier, 225-266, 3rd Boulder: Westview Press.

11. Miller, S. E. (2023). The Struggle to Save the JCPOA: Negotiations to Nowhere?, *Conference of Nuclear Risks and Arms Control - Problems and Progresses in the Time of Pandemics and War*, 1 21-138.
12. O'Toole, B. (2021). Rejoining the Iran nuclear deal: Not so easy. <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/rejoining-the-iran-nuclear-deal-not-so-easy/>.
13. Parsi, T. (2017). *Losing an Enemy*. New Haven, CT: Yale University Press.
14. Pillar, P.R. (2013). The Role of Villain: Iran and U.S. Foreign Policy. *Political Science Quarterly*, 128(2), 211–231. <https://www.jstor.org/stable/23563304>
15. Rosenau, J.N. (1971 & 2006). *the study of world politics, volume 1, theoretical and methodological challenges*. London: routledge.
16. Rosenau, J.N. (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York: The F-Rosenau, J. (1995). *Governance in the Twenty-first Century*, *Journal of Global Governance*, Vol6, No3 .ree Press.
17. Schumer, C.H. (2015). My Position on the Iran Deal. August 8. Available at: <https://www.schumer.senate.gov/newsroom/press-releases/my-position-on-the-iran-deal> (accessed November 29, 2020).

Translated References to English

1. Abolhasan Shirazi, H., and Zarei, G. (2011). America and Iran's nuclear case. *Science and Research Encyclopedia*, 3(4), 105-121. **(In Persian)**
2. Atai, F., Rasouli Thaniabadi, A. (1389). Examining the role and position of foreign policy in international relations theories. *Politics Quarterly*, 40(3), 209-226. **(In Persian)**
3. Benjamin, D and Simon, S. (2019). How Fake News Could Lead to Real War. *Politico Magazine*, 5 July, <https://www.politico.com/magazine/story/2019/07/05/fake-news-real-war-227272>.
4. Biswas, S. (2018). Iran v 'the International Community: A Postcolonial Analysis of the Negotiations on The Iranian Nuclear Program. *Asian Journal of Political Science*, 26(1), 1-21. doi: <https://doi.org/10.1080/02185377.2018.1481441>.
5. Clinton, H. R. (2014). *Hard Choices*. London: Simon & Schuster.
6. Daryai, M. (2014). *The collection of documents of nuclear negotiations of the Islamic Republic of Iran with the 5+1 countries*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Department. **(In Persian)**
7. Dehghani Firouzabadi, C. (2008). *Foreign policy of the Islamic Republic of Iran*.

- Tehran: Samit Publications. **(In Persian)**
8. Dehghani Firouzabadi, J., Atai, M. (2013). The nuclear discourse of the 11th government. *Strategic Studies Quarterly*, 17, (1), 117-93. **(In Persian)**
 9. Director General Amano Tells IAEA Board. (2018). Iran is Implementing Nuclear-related JCPOA Commitments, 05/05/2018, <https://www.iaea.org/newscenter/news/iran-is-implementing-nuclear-related-jcpoa-commitments-director-general-amano-tells-iaea-board>.
 10. Ferrero, C. (2013). The Iran Narrative: The Ideational Context of US Foreign Policy Decision-Making toward the Islamic Republic of Iran, *Iran and the Caucasus*, 17(1), 41-76. doi: <https://doi.org/10.1163/1573384X-20130105>
 11. Financialtribune. (2019). Impact of EU Exit From JCPOA Would Be Insignificant, 29/10/2019, <https://financialtribune.com/articles/national/100107/impact-of-eu-exit-from-jcpoa-would-be-insignificant>.
 12. Iranprimer. (2023). JCPOA Five Years Later: Iran's Escalations. <https://iranprimer.usip.org/blog/2023/may/03/jcpoa-five-years-later-irans-escalations>.
 13. Kaplan, F. (2023). The Trump Administration Is Suddenly Pretending That It Didn't Blow Up the Iran Nuclear Deal. <https://nukewatch.org/new-and-updated-item/the-trump-administration-is-suddenly-pretending-that-it-didnt-blow-up-the-iran-nuclear-deal/>.
 14. Kaussler, B and G. P. Hastedt. (2017). *US Foreign Policy towards the Middle East: The Realpolitik of Deceit*. Abingdon, Oxon/ New York: Routledge.
 15. Maleki, A. (2003). The decision-making process in Iran's foreign policy. *Strategy Quarterly*, 11(1), 107-81. **(In Persian)**
 16. Mandel, R. (2005). The changing face of national security. Translation of Strategic Studies Research Institute. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. **(In Persian)**
 17. McBeth, MK; M. D. Jones, and E. A. Shanahan. (2014). The Narrative Policy Framework in: *Theories of the Policy Process*, edited by C. Weible and P. Sabatier, 225-266, 3rd Boulder: Westview Press.
 18. Miller, S. E. (2023). The Struggle to Save the JCPOA: Negotiations to Nowhere?, *Conference of Nuclear Risks and Arms Control - Problems and Progresses in the Time of Pandemics and War*, 1 21-138.
 19. Multi Authors. (2021). *The Secret is to Seal*, Tehran: Etelaat. **(In Persian)**
 20. O'Toole, B. (2021). Rejoining the Iran nuclear deal: Not so easy.

<https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/rejoining-the-iran-nuclear-deal-not-so-easy/>. **(In Persian)**

21. Parsi, T. (2017). *Losing an Enemy*. New Haven, CT: Yale University Press.
22. Pillar, P.R. (2013). The Role of Villain: Iran and U.S. Foreign Policy. *Political Science Quarterly*, 128(2), 211–231. <https://www.jstor.org/stable/23563304>
23. Qamat, C. (2007), Nuclear Iran and its regional consequences, *Political Science and International Relations Quarterly*. 1, (4), 89-101. **(In Persian)**
24. Rosenau, J.N. (1971 & 2006). *the study of world politics, volume 1, theoretical and methodological challenges*. London: routledge.
25. Rosenau, J.N. (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York: The F-Rosenau, J. (1995). *Governance in the Twenty-first Century*, *Journal of Global Governance*, Vol6, No3 .ree Press.
26. Saifzadeh, H. (2005). *Foundations and decision-making models in foreign policy*. Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs. **(In Persian)**
27. Sajedi, A., & Sajedi, S. S. (2019). America's Exit from Joint Comprehensive Plan of Action and Turbulence in Iran's economy. *Studies of International Relations Journal*, 12(46), 123-155. **(In Persian)**
28. Schumer, C.H. (2015). My Position on the Iran Deal. August 8. Available at: <https://www.schumer.senate.gov/newsroom/press-releases/my-position-on-the-iran-deal> (accessed November 29, 2020).
29. Yazdan Pham, M. (2016). The Trump administration's strategy regarding Iran; Objectives and mechanisms. *Strategic Studies Quarterly*, 20(76), 179-184. **(In Persian)**